

اوج گیری مجدد جدالهای درونی هیئت حاکمه در متن فروپاشی جلال ولی امر

روز چهارشنبه گذشته (چرداد)، آیت الله خمینی بنایات مهم "و" بسیار مهمی به مناسبت اولین سالگرد مجلس ابراد کرد که بلافاصله تیر در دست روزنامه هفتاد و مهمترین برنامه تبلیغاتی رادیو و تلویزیون دولتی را تشکیل داد. سخنان خمینی بدینا ل شدید مجدداً دهکای جناحهای حاکم در چند هفته گذشته، در واقع موضع گیری آشکاری به نفع جناح غالب حاکمیت و نماینده های سیاسی-نخبه گرای آن حزب جمهوری اسلامی است. چرا خمینی به این موضع گیری دست زد؟

هفته های گذشته جدال جناحهای حاکمیت به ابعاد تازه ای رسید، جنگ قدرت "رئیس جمهور محبوب" بنی صدر و "نیروهای" مکتبی "بزعامت آقا یان بهشتی" رفتن رسانی، رجائی... شدت سابقه ای یافت و این علیرغم ادامه ی جنگ ایران و عراق و علیرغم دستور صریح "امام امت" مبنی بر ترک مخاصمه ی جناحها و ارجاع آن به هیئت سه نفره ی حل اختلاف... صورت گرفت. اصنام امت "اگر در هر مورد دیگری نمیتوانست، اما در اینجا موفق شد با استعفا ده از مقام ما میب و جان خمینی ولی عصر جلوی منازعات سیاسی اجتناب را بگیرد و این در حالیکه است که نمایندگان هر دو جناح خود را از طرفداران و پیروان رهبری وی و مقلدین او میدانند. لیکن شدید منازعات جناحین حاکمیت، در عین حال چیز تازه ای هم نبود و در واقع جز فزونی از سیر حوادث تلاطمات نیروهای سیاسی حاکمه بر سر تصرف مواضع قدرت نمیتوانست به حساب آید. در اینجا اما حضور مسائل دیگری در سطح جامعه به ابعاد جدالهای سیاسی موجود اهمیت تازه ای بخشیدند. اگر دعوا فقط بین "لیبرالها" از یکسو و قدرتمندان حزبی از سوی دیگر بود، شاید بنایات "بسیار مهم" امام اهمیت چندانی پیدا نمیکرد و هوشا هوی تبلیغاتی حول آن موردی نداشت. ولی تغییراتی که هم اکنون در سطح اجتماعی در حال شکل گیری است به موضوع جدالهای درون حاکمیت اهمیت تازه ای میبخشد. بصر احت می توان گفت که هر دو جناح - هم بنی صدر و هم بهشتی - تلاش میکنند تا تازه ای را برای جلب متحدین آغاز کرده اند. هر دو "جناح" بسته به موضع و موقعیت اجتماعی خود "بارگیری" میکنند و این "بارگیریها" نمیتواند در سرنوشت اوضاع سیاسی آینده و سرنوشت ترکیب و توازن نیروهای دریلوک قدرت بدون تا ثیر باشد. تناسب نیروهای عمده در مقطع حاضر به شرح زیر است: حزب جمهوری اسلامی + حزب توده + فدائیان (اکثریت)، در مقابل بنی صدر + مجاهدین خلق + حزب دموکرات. صرف نظر از اینکه هر یک از نیروهای نامبرده بر نامه، موضع و انگیزه جهت گیریهای خود را چگونه ارزیابی نمایند و اصولاً صرف نظر از اینکه از اوضاع و احوال اجتماعی و جهت حرکت آن چه برداشتی داشته باشند، شکل گیری این دو نخبه سیاسی را در حرکت های سیاسی روز می توانیم ملاحظه کنیم. البته این قضیه مربوط به شرایط سیاسی فعلی است و میتواند در روزهای آینده تحت تا ثیر اوضاع و احوال جدید و حتی بارگیریهای جدیدتر با زهم متحول تر و "متکامل تر" گردد. لیکن نکته اصلی اینجا است که دیگر نه بهشتی و نه بنی صدر تنها نیستند و جنبه بندی های آنها نیروهای سیاسی دیگری را نیز میدان کشیده است. صرف نظر از اینکه دلایل و هدف حرکت این نیروها در قطب بندی های اخیر چه باشد، در این واقعیت رهبری و سرکردگی هر یک در این قطب ها را جناحهای حاکمیت بمعهد دارند، تغییر نمیخواهد داد. البته بسیاری از نیروها و از جمله نیروهای چپ نیز طی هفته های اخیر

به فعالیت های مبارزاتی خود علیرغم جواختنای و تیرور افزوده اند. لیکن موضع گیری این نیروها نه در تا ثیر جناحهای حاکمیت بلکه در واقع علیه هر دو جناح و خارج از محدوده دو قطب یاد شده صورت گرفت. با توجه به نکات فوق بسیاری از تحولات اجتماعی روزهای اخیر قابل توضیح میباشد.

از منبتهنگا و نظا هرات قانونی حزب توده و همقطاران اکثریتی او گرفته تا "مناظرات تلویزیونی" ضد سرگ بهشتی، کبانوری، نکهدار و... از نظا هرات جدیده هزار نفری مجاهدین و تلاش برای برگزاری نظا هرات غیر قانونی توسط جبرادیکال در اول اردیبهشت و ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) که در مقابل و علیرغم دستور حاکمیت صورت گرفت تا ز دو خورد های روزمره ی خیابانی و... و از جانب دیگر تجدید فعالیت جنبه ملی و تند تند شعارها و موضع گیریهای آن ناحیته دیده های مختلف بهشتی، آزادی منی بری - کزاری منبتهنگا و غیره همه و همه نشان از شدید تلاطمات اجتماعی و حضور صفت بندیهای تازه شکل گرفته در صحنه سیاسی دارند. در این میان نامه ی مجاهدین به خمینی و تهدیدهای آشکار و غیر آشکار ایشان خطاب به "امام امت" و این واقعیت که در حال حاضر مجاهدین بس از رهبری سیاسی دیگر بنی تا نسبی تبدیل شدن به یک بدیل اجتماعی را دارا اند. در کنار کوشش های رفقای مکتبی بنی صدر برای تصرف هر چند بیشتر ارگانهای حاکمیت (ماجرای لایحه ی حذف فرمانان همایونی و کوشش رجائی در برکناری رئیس کل بانک مرکزی و رئیس هلال احمر و نیز ماجرای ربوده شدن "استاد محرم اندی وزارت خارجه" و برکناری مدیر کل کنسولی این وزارت خانه و... بر رویهم آنچنان اوضاع سیاسی را داغ و بحرانی ساخته بود که مداخله ی صریح امام و فتوای وی را ضروری میساخت. لیکن همانگونه که انتظار میرفت بالاخره امام بنیاد ریهای سیاسی را به کناری نهاده و نکران از اوضاع، فتوای برترکت را به نفع جناح غالب حاکمیت و علیه "رئیس جمهور ویرمانده ی کل قوا" صادر کرد.

در فتوای اخیر، امام امت "نخست از مجلس آغاز میکنند و بس از طرح ایرادات جزئی به کار مجلس تا کیهان ارج و اعتبار آنرا به عرش اعلی میرسانند. وی اعلام میکنند که:

"مجلس مبدا همه چیز عاالی است که در کشور واقع میشود... و بس تا کید میکند"

"مجلس بالاترین مقامی است در این مملکت. مجلس اگر ای داد و شورای نگهبان هم آنرا بدیر قوت هیچکس حق ندارد که یک کلمه در ارجع به این بگوید... اگر بخواهد فساد کند به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است و مفسد است، یک همچو آدمی تحت تعقیب مفسد فی الارض باید قرار بگیرد."

بس مسئله روشن شد. مجلس تحت کنترل حزب آقایی بهشتی بالاترین مرجع قانونی است و مخالفت با آن و قوانین آن ارتجاعی آن نیز بمنزله فساد دروری زمین، مشمول مقررات مربوطه (اعدام و نظا ترهم) میباشد. این حرف صریح و در واقع انتخاب صریح خمینی است. او هرگونه افتا گسری بیامون مجلس و شورای نگهبان را مترادف با فساد میداند و شخص فاسد نیز که پرواض از دیدگاه او مفسد فی الارض و بنا بر این مهدور الدم است. لیکن مساله به اینجا و بدینگونه ختم نمیشود. باید برای مردمی که مداوم از "عدل و قسط اسلامی" و "رحم و انصاف و مروت صدر اسلامی" سوال میکنند

حاکمیت سلبی کند. این دیگر نه مطلوب و نه امکان پذیر است. چون اصولاً اوضاع اجتماعی - سیاسی حاضر و موقعیت مبرر لایحه حاکمیت چنین اجازه‌ای را به وی نمی‌دهد. نسبت - کمتری آنکارا همیشه به خود جناح غالب حاکمیت - حزب و شرکا - سران سیاسی از همین واقعیت است - از طرف دیگر بنی صدر نیز همانا به سرگردانی جناح "لیبرالها" تصمیم خود را گرفتند است و از موقعیت و منافعی خود دستخوش دفاع می‌کنند و این به تنهایی دلیل حواست و تصمیم بنی صدر بلکه بدلیل موقعیت ویژه‌ای است که در میان مو تلقین خودداران است. بنی صدر امروز خود را در راس یک جریان سیاسی می‌بیند. جریان بنی که بدون شک حرکت و تحولات آن بر حرکت و تصمیم - کبریه‌های سیاسی او تا تیرکذا رفته است. بدین قسرا در روزها و ماه‌های آینده تا حد قسطی تر شدن هر چه شدیدتر نیروهای سیاسی مو تلف با هیئت حاکمه و جدال وسیع تر آنها که از حد متنازعات بلوک قدرت بسیار فراتر می‌روند و نیروهای اجتماعی مختلفی را سر بردن ال خود خواهد کشید. خواهیم بود. در این میان چپانقلابی ایران وظیفه‌ای بس بظن و وقت بسیار حائز و مهمی را بعهده دارد. چپانقلابی اولاً می‌باید که هر چه بیشتر از گذشته نسبت به سران بنی جناح‌های حاکمیت افشاگری و در مقام وسیع توهم زدائی بپردازد. و با سایر باندها در شرایط موجود بدیل انقلابی خود را مستقل از سمت گیری بنی در این میان جناح حاکمیت ارائه نماید. هر گونه حرکتی غیر از این بسودیکی از جناح بنی حاکمیت تمام خواهد شد.

کنند، زیرا "ظاهراً" در خرابی راه را در می‌کنند و خود را نماینده البتة اینکار هم انکالی خواهد داد و انکال آنهم به انقلاب دیگری بدفع رنر جمهور "محبوب" است. بطور خلاصه بنام سخنان بنی صدر در یکجا مظلوم بنی "ما در غربت می‌کنیم" در جای دیگر دعوت به "سازش" "اجرای قانون" و بالاخره تهدید به "انقلاب دیگر" است. لیکن مسأله مهم در سخنان بنی صدر، اعلام بنی ادامه‌ی "انقلاب" کوندی حدالی است که از مدت‌ها پیش بر سر تصرف کامل مواضع قدرت بین جناح بنی هیئت حاکمه آغاز شد. وهم اکنون به شدیدترین وجه ممکن به نقطه غیر قابل بازگشتی رسیده است. این جدال در ماه‌های آینده نیز همچنان ادامه خواهد داشت و راه حل دیگری مگر تسلط کامل و بیروزی بنی از طرفین و شکست دیگری قابل تصور نیست.

حال بنیستم رنر جمهور "محبوب" کی و چگونه می‌خواهد به مصاف برود. او نیز در آخرین راه با بیان جنگ ا حاله می‌کند. نظراً و اینست که "به محض آنکه جنگ تمام بشود، من سختی قبول دارم چه داخلی بدست می‌آورد" و یا تیرتیر تهدیداً می‌زاند انقلاب اسلامی:

"رنر جمهور: جنگ که تمام شد بر می‌گردد همسۀ مسائل را رسیدگی می‌کنم، البته اینکه جناح فرمانده کل قوا بنی از فراغت از جنگ (جبهه داخلی) با تانک و توپ به سراغ جبهه داخلی خواهد آمد و کارها از طریق کودتا بگذرد خواهد شد و با اینکه سرکار از سیاسی برای "انقلاب" موعودشان خواهند پرداخت: هنوز روشن نیست. لیکن عجالتاً وی همه چیز را به بیان جنگ ارجاع می‌کند. مشخصاً میدویرنا می‌وی اینست که "جنگ که به پایان رسید ثمرت مناسب بنی سرقراری امنیت ارضی و خلع سلاح از سوی دیگر فراهم می‌آید."

به عبارت ساده تر و بی‌زمان خود رنر جمهور شعار وی بنی در دوران پس از جنگ سرقراری امنیت "انجام خلع سلاح" خواهد بود که با "سختی فولاد" با آنها روبرو خواهد شد. البته حل مسائل اقتصادی بعداً و به تدریج انجام خواهد شد چون بدون وجود امنیت و "خلع سلاح" مشکلات اقتصادی نیز قابل حل نیست. ماهم با ایشان موافقیم، در جا معده سرما به داری بدون وجود امنیت لازم برای سرمایه و "خلع سلاح" گروه‌های مزاحم دولت سرما به داری سر و سامان دادن به وضع اقتصاد سرما به داری ممکن نیست. از اتفاق بازه‌ای از دوستان و یار قبیلان کنونی بنی صدر در خارج جنایان بختیار، سیمار مدنی، علی امینی... هم همین نظر را دارند. باید جنگ تمام بشود امنیت و "خلع سلاح" برقرار شود تا اقتصاد راه نیافتد. این در واقع راه حل و پاسخ تمام نمایندگان پیشوای سرما به برای بنی است.

آری آقای بنی صدر در ارتباط با اوضاع آینده هیچ توهمی ندارد و میدانده که حل مشکل آینده استقرار نظم و راه انداختن اقتصاد است. تنها سؤال اینست که آیا ابوزیسیون انقلابی و بیوزنه چپ مستقل نیست به اوضاع آینده و نسبت گیری‌های سیاسی هنوز منوهم است. آینده چگونه خواهد بود؟ موضع گیری‌های اخیر خمینی و بنی صدر و نیز قطب بندی‌های جدید سیاسی که در ارتباط بنا به حال جناح‌های حاکم شکل گرفته است، تشدید بیما بقصدی متنازعات درونی هیئت حاکمه و بطور کلی اوضاع بحران بنی جامعه نشان از حوادث مهمی در آینده دارد. هم اکنون بیش از هر زمان دیگر این امر که حضور خمینی به تنهایی تضعیف دهنده‌ی نهادها نیست بلکه بیوزنه با توجه به جهت گیری‌های سیاسی اخیرا و سخت و سوزی جناح بندی‌ها و صف بندی‌های سیاسی منحصر تر شده و برداشته‌ی کشمکش‌های درونی هیئت حاکمه افزوده خواهد شد. بر همگان روشن شده است، خمینی دیگر نمیتواند همانند لحظاتی در گذشته به معنای رهبری "در راه طبقات" بین جناح‌ها

From Iran:



Raha'i

TRANSLATED FROM PERSIAN BY...
PUBLISHED BY THE...
ASSOCIATION OF LONDON

Number 1

January 1981

IN THIS ISSUE

- ★ Short History of O.C.U.
- ★ Stage of Revolution in Iran
- ★ Class Rule in Iran
- ★ Iran-Iraq War
- ★ In Memory of Manuchehr Hamed.

ALL RIGHTS ARE RESERVED. TRANSLATED AND EDITED BY RAHA'I TRANSLATION LEAGUE WHICH TAKES NO RESPONSIBILITY FOR THE OPINIONS OF CONTRIBUTORS.

اخیراً اولین شماره‌ی رهائی انگلیسی که توسط "گروه ترجمه‌ی رهائی" (از هواداران سازمان در خارج از کشور) منتشر شده است بدست ما رسید. مطالب این شماره عبارتند از:

تا ریخه مختصر از زمان وحدت کمونیستی مرحله انقلاب ایران
حاکمیت طبقاتی در ایران
جنگ ایران و عراق
به یاد منوچهر حامدی

با آرزوی موفقیت برای این رفقا

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید